

تأثیر متقابل ادبیات و فرهنگ

اسحاق طغیانی

حماسه‌های واقعی هم، آن دلاوری‌ها و شجاعت‌های انسان‌هاست که در میدان زندگی و در مقام دفاع از مرزها، عقاید و به طور کلی ارزش‌های انسانی پدیدار شده‌است و اکثر آثار ادبی که در ارتباط با جنگ‌ها و نبردهای تاریخی خلق شده، یا از آنها تأثیر پذیرفته‌اند، از این مقوله‌است.

(طغیانی: ۱۳۷۲ ش، ص ۴۷)

طبیعت و محیط‌های طبیعی هم، تأثیر بسزا در ادبیات ملل دارد و شاعران و نویسندگان اقوام گوناگون، نهایت بهره را از طبیعت به عنوان یک عنصر مهم برده‌اند تا آنجا که در برخی از مکتب‌های ادبی، تقلید از طبیعت، اصل اساسی قلمداد شده‌است. امرسون، شاعر و متفکر عارف مسلک آمریکایی می‌گفت: طبیعت مثل شعری است رمزی، که باید مفهوم آن را کشف کرد. از نظر او، طبیعت مانند الفاظ، نشانه‌هایی است برای نقل اندیشه و نمودی است از واقعیت‌های روحانی.

(زرین کوب: ۱۳۶۱، ص ۵۱۹)

دیگر عناصر و مقوله‌های فرهنگی نظیر: زبان، آداب و رسوم، هنرها، اندیشه‌ها، عقاید دینی و... نیز به همین صورت در تکوین و تکمیل آثار ادبی، نقش تعیین‌کننده دارند که از میان آنها، عقاید دینی و متون مربوط به آنها، نقش برجسته و عمده دارند که پرداختن به آن، از موضوعات اصلی این مقاله‌است. آثار ادبی مهم در شرق و غرب جهان و مطالعه شخصیت شاعران و نویسندگان و هنرمندان بزرگ، معلوم می‌کند که هر کدام از آنها، به نحوی از مذاهب دینی و کتب الهی، متأثر بوده‌اند. از فردوسی و حافظ و خیام و رومی در ایران گرفته تا میلتن و هوگو، شکسپیر، تولستوی و تی. اس. الیوت و امرسون در مغرب زمین، همه تحت تأثیر مرام‌های مذهبی و افکار دینی، آثار ارزشمند خود را خلق

اگر نگاهی به آثار مهم ادبی جهان بیافکنیم خواهیم دید، که ادبیات و فرهنگ باهمه گستردگی خود، یکدیگر را تحت تأثیر قرار داده و تقویت می‌کنند و به سادگی متوجه می‌شویم که در هر کجا، آثار ادبی ارزنده و غنی بیشتر باشد فرهنگ‌های غنی‌تر و ریشه‌دارتر هم وجود داشته‌است و متقابلاً فرهنگ‌های گسترده و عمیق، همواره خاستگاه و بستر پیدایش آثار ادبی فراوان و ارزنده بوده‌است. به طور کلی آثار ادبی جهان نشان می‌دهد، که ادبیات همواره از مقوله‌هایی چون: طبیعت، حماسه‌ها، زبان، آداب و رسوم، عقاید و متون دینی، هنرها، موضوعات تاریخی، اندیشه‌های علمی و فلسفی و عرفانی، احساسات بشری و... بهره‌برده و متأثر شده‌است.

این مقوله‌ها در حقیقت، همان عناصر اساسی فرهنگی است که در میان ملت‌ها و اقوام گوناگون بشری، به شکل‌های مختلف فرهنگ‌های خاص، مردم جهان را شکل می‌دهد و ما می‌توانیم انعکاس آنها را در ادبیات - که آینه تمام‌نمای احوال بشری است - به وضوح ببینیم. و فراتر از این مشاهده می‌کنیم، که برخی از این عناصر، خود باعث پیدایش آثار ادبی متنوع و گوناگون شده‌اند؛ چنان که حماسه‌ها، اعم از حماسه‌های واقعی یا حقیقی، در شکل‌گیری بسیاری از آثار ادبی برتر جهان، نقش اساسی داشته‌اند. (طغیانی، ۱۳۷۷، ص ۳۵)

حماسه‌های حقیقی، در واقع همان آرزوها و آرمان‌های تأمین نشده بشری است، که با استفاده از اساطیر و قصه‌های کهن به صورت آثار ادبی گرانبها نمایان شده‌اند که نمونه بارز آن شاهنامه فردوسی، و ایلیاد و ادیسه هومراست، که هر دو اوج شکوهمندی شعر رزمی و تابلو حقیقی انسان بزرگ و شکوهمند را جلوه‌گر ساخته‌اند.

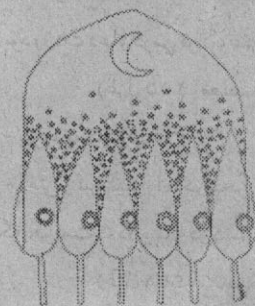
فرهنگ در مفهوم عام آن، ادبیات را زیر پوشش قرار می‌دهد. اما ادبیات که از عناصر فرهنگی تغذیه می‌کند، خود باعث بالندگی و تقویت و تحکیم عناصر و مبانی فرهنگی جوامع می‌شود. بدین ترتیب، فرهنگ و ادبیات در روابط دوسویه عمل می‌کنند و تعامل دوجانبه دارند.

دکتر اسحاق طغیانی؛ استادیار دانشگاه اصفهان - عضو گروه زبان و ادبیات فارسی -

این ارتباط و تعامل را

در نوشتار ذیل پی می‌جوید.

این مقاله در کنفرانس بین‌المللی دانشگاه پوتراملزی (اکتبر ۲۰۰۳ میلادی) ارائه شده‌است.



کرده اند و جوهره آثار آنان، در حقیقت همان است که در متون دینی بر آن تأکید و سفارش شده است. این تأثیر در ادبیات فارسی به حدی قوی است که اگر ما قرآن، احادیث و فرهنگ غنی اسلامی را از آن حذف کنیم در واقع حرفی برای گفتن نداریم و آنچه باقی می ماند آثاری است معمولی، که ارزش چندانی ندارند و پیام جدیدی در آنها مشاهده نمی شود. در این مورد، آثار کسانی چون: سنایی، عطار، رومی، حافظ، سعدی و نظامی، صدها شاعر و نویسنده قدیم و جدید بر مبنای اندیشه و فرهنگ اسلامی خلق شده است و آنها ضمن برخورداری از این فرهنگ غنی برای خلق آثار خود، توانسته اند دامنه این فرهنگ را به نحو چشمگیر توسعه دهند و فرهنگ خاصی به نام فرهنگ ایرانی اسلامی را بنیان نهند که ویژگی های خود را دارد. این تأثیر و تأثر در عرصه فرهنگ و ادبیات ایرانی آنقدر عمیق و گسترده است، که حتی می توان گفت شناخت کامل فرهنگ اسلامی بدون توجه به آثار ادبی فارسی، امکان پذیر نیست.

در غرب هم، انجیل و تورات به سبب غنای ادبی، عمق فلسفی و گستردگی معانی و ارزش های الهی و انسانی، همواره یکی از منابع مهم ادبیات بوده است و به همین جهت، بسیاری از شاعران و نویسندگان و نمایشنامه نویسان از مضامین، اندیشه ها و اشارات نهفته در کتاب مقدس بهره برده و الهام پذیرفته اند.

(ناظر زاده کرمانی: ۱۳۶۶ هـ.ش، ص ۷۴)
و نگاهی کوتاه به آثار ادبی مهم و معروف غرب، این را آشکار می کند. آنچنان که می بینیم یکی از عظیم ترین آثار ادبی آن دیار یعنی «بهشت گمشده» اثر جان میلتون از تورات، الهام گرفته شده است (Langdon: ۱۹۲۴). میلتون که افکاری سیاسی و مذهبی داشت و عاشق آزادی بوده، عقیده داشت که شاعر واقعی، دشمن استبداد و ظلم است. از اینرو، باید قریحه شاعری خود را در نشر تقوا و فضیلت در بین مردم به کار گیرد و احوال قهرمانان، شهدا و نیک مردان را تصویر کند که با دشمن دین، دشمنان خدا و دشمنان عدالت پیکار کرده اند. او به جای توجه به شاعران یونان قدیم و روم باستان، به کتاب مقدس روی می آورد.

آنچنان که می دانیم، در قرون وسطی، بخصوص در دوره بعد از تماس با دنیای اسلام، آثار ادبی ارزنده ای به وجود آمد، که مهمترین آنها «کمدی الهی» دانته است. در این اثر، که شاید بزرگترین اثر ادبی همه اروپا در تمام قرون شناخته می شود و اوج عظمت شعر مسیحی را، در آن دوران نشان می دهد. دانته، علاوه بر فرهنگ دینی مسیحی، از سنت های اسلامی نیز متأثر است (Monrone: ۱۹۷۰ p. ۱۸۲-۵) و بخصوص

طبیعت و محیط های طبیعی، حماسه و دیگر عناصر فرهنگی نظیر: زبان، آداب و رسوم، هنرها، عقاید دینی، اندیشه های علمی و فلسفی و عرفانی در تکوین و تکمیل آثار ادبی، نقش تعیین کننده دارند.

تأثیر کتاب «سیرالعباد الی المعاد» سنایی شاعر و عارف بزرگ ایرانی را در او می توان دید.

اشعار مذهبی و داستان های انجیل و تورات و احوال قدسیان و زاهدان قدیم، در پرورش ذوق شاعران و نویسندگان روس هم، تأثیر قوی داشت و این را در آثار کسانی چون: گوگول (۱۸۵۲-۱۸۰۵)، داستایوسکی (۱۸۸۱-۱۸۲۱)، پوشکین (۱۸۳۷-۱۷۹۹) و بخصوص تولستوی (۱۹۱۰-۱۸۲۸) که از رمان «جنگ و صلح» او، به عنوان عظیم ترین رمان قرن بیستم نام برده شده است، می توان دید. تولستوی عقیده داشت: منشاء انحراف هنر و تلقی های نادرست از آن در نزد طبقه اشراف، که گریز از الزامات اخلاقی معنی می شد، جدایی از دنیای ایمان و بی توجهی نسبت به تعالیم مسیحی است. (زرین کوب: ۱۳۶۱، ص ۵۳۶ و ۵۶۲)

پوشکین؛ شاعر بزرگ روسیه علاوه بر تورات و انجیل، از قرآن نیز متأثر بود. او پس از آشنایی با ترجمه قرآن به زبان روسی به مطالعه آن پرداخت و آنچنان تحت تأثیر قرآن قرار گرفت، که در سال ۱۷۲۴ م «اقتباس از قرآن» را سرود. محور اصلی اشعار پوشکین را، لطف و رحمت الهی، حقایق، عدالت و ترس از رستاخیز تشکیل می دهد. او در مورد پیامبر اسلام می گوید:

ای پیامبر بر خیز و بشنو
زمین و دریاها را طی کن

و با کلمات آسمانی

قلب ها را منور بگردان

(سلطانی، ۱۳۷۲)

جان راسکین (۱۹۰۰-۱۸۱۹) منتقد آثار هنری، که گرایش به سوسیالیزم داشت، توانگران را که از محبت و عدالت غافل مانده اند، می نکوهید

و معتقد بود تنها سرمایه انسانی، حیات واقعی است. او در باب هنر معتقد بود، که آن در واقع، تجلی روح الهی در عالم طبیعت است و هنرمند باید انسان را، از جهت رابطه ای که با طبیعت و آفریدگار دارد، مورد توجه قرار دهد.

(زرین کوب: ۱۳۶۱، ص ۵۰۴)

در دوره های جدید نیز، تأثیر عمیق متون دینی و تعلیمات مذهبی را، در آثار مهم می بینیم و در این مورد، آثار T.S. Eliot (۱۹۶۵-۱۸۸۸) شاعر، منتقد و نمایشنامه نویس بزرگ قرن بیستم، حائز کمال اهمیت است.

Eliot که یک چهره به تمام معنا فرهنگی است، آثاری خلق کرد که آن آثار از ادب، فلسفه، مذهب و فرهنگ و هنر جهان سرشارند. وی که بزرگترین شاعر قرن بیستم لقب گرفته است و در سال ۱۹۲۷ تابعیت خود را، از آمریکایی به انگلیسی تغییر داد، شخصیتی است مذهبی و متعهد به سر نوشت بشر و انسان هایی که در «سرزمین بی حاصل» تمدن جدید غرب، هویت خویش را گم کرده اند.

الیوت همانند دیگر بزرگان عرصه ادبیات اروپا، به نظام مادی و تجاری و دور شده از مذهب غرب، اعتراض می کند و تمدن جدید آن را، چون سرزمین سوخته ای می داند که هیچ دانه ای در آن بارور نخواهد شد. از نظر او، شاعر معاصر به انبیاء عهد عتیق می ماند، که هر دو به شیوه خاص خود می کوشند تا در ماندگی انسان را ارزیابی کنند و هر دو سعی می کنند که راه راست را بنمایند و هر کدام به گونه خود، در وحشت آباد جهان، فریاد می زنند تا آدمی راه خسود را بیابد (P. ۷۶ و ۱۹۶۵):
Gannon, P. and L. و این همان فریادی است که نظامی؛ شاعر متعهد ایرانی، قرن ها پیش از سینه سوخته خود برآورد و رسالت شاعران و انبیاء را در امتداد هم معرفی می کرد.

«پیش و پستی بست صف کبریا

پس شعرا آمد و پیش انبیا»

(نظامی: ۱۳۴۱، ص ۴۱)

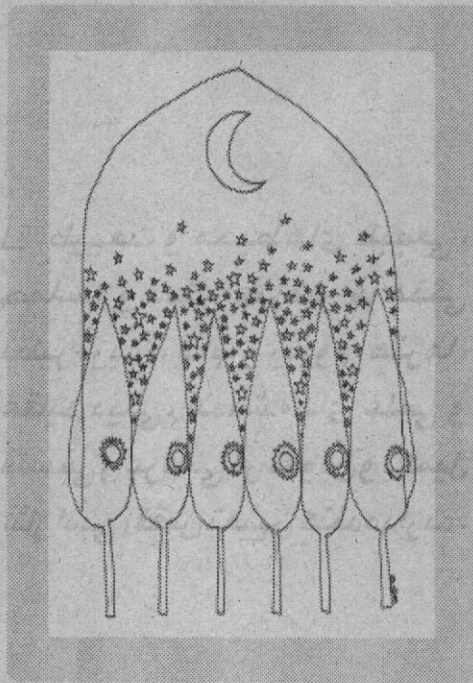
بد نیست بدانیم که جبران خلیل جبران (۱۹۳۱-۱۸۸۳) هم که، آثار او از بزرگترین شاهکارهای ادبیات عرب به شمار می رود و اندیشه های جهانی و انسانی داشت، تحت تأثیر دین و معنویت آن بود. او سال ها در غرب زیست اما هرگز تحت تأثیر تمدن جدید مغرب زمین قرار نگرفت و به دین به عنوان «اصل» احترام می گذاشت. وی با این که مسیحی بود، به دین اسلام و حضرت محمد (ص) و علی (ع) به عنوان بزرگترین شخصیت های تاریخ، احترام می گذاشت و این در آثار او نمایان است. (رسولنیا، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸)
بدین صورت، اکثر آثار ادبی ناب جهان با اندیشه ها و سنت های دینی ارتباط دارد و کمتر اثر

مهمی است، که از دین به عنوان یک عنصر مهم فرهنگی متأثر نشده باشد. در این مورد، ادبیات فارسی، که بهره فراوانی را از متون دینی بخصوص قرآن و احادیث نبوی و سخنان بزرگان دین برده است، وضعیت کاملاً استثنایی دارد.

بررسی آثار ادب ایرانی از قدیم تاکنون نشان می‌دهد که متون و سنت‌های دینی، اساسی‌ترین نقش را در پیدایش اکثر آثار ادبی داشته است. آثار ادبی قبل از اسلام ایران، آنچه باقی مانده است، نشان می‌دهد که همه در ارتباط با مقوله‌های دینی چون: زرتشت و اوستا و مقدسات مذهبی است (زورنر ۱۹۹۵) و بعد از ظهور اسلام و پذیرش آن توسط ایرانیان نیز، متون دینی اسلامی به عنوان اساسی‌ترین و مهمترین منبع، همواره الهام بخش شاعران، نویسندگان و هنرمندان ایرانی بوده است و با آن که ایرانیان از یک فرهنگ گسترده و کهن برخوردار بودند.

(زرین کوب: ۱۳۷۵، ص. ۳۷-۴۲)
بعد از پذیرش آیین جدید با عشق و علاقه بی نظیر فرهنگ و سنت‌های اسلامی را دستمایه خلاقیت‌های خود در همه زمینه‌ها قرار داده‌اند. این اقبال و توجه بی نظیر، گذشته از آنکه به ایمان و اعتقاد جدید ایرانیان مربوط می‌شود و البته امری است طبیعی، انگیزه‌های اصلی آن را باید در جاذبه‌های شگفت‌انگیز فرهنگ اسلامی جست‌وجو کرد. فرهنگی که همواره متفکران آزاداندیش و هنرمندان صاحب ذوق را مجذوب و مسحور کرده و باعث شده است، که ایرانیان بعد از اعتقاد بدان آیین‌های کهن، گذشته را تقریباً فراموش کنند.

در این ارتباط، تأثیر متون اسلامی بخصوص قرآن و احادیث نبوی در ادبیات فارسی، بسیار گسترده و عمیق است و این تأثیر را، به شکل‌های مختلف در متون ادبی فارسی می‌توان مشاهده کرد. براین اساس، آیات و احادیث اسلامی از همان دوره‌های اول پیدایش زبان دری، در نظم و نثر پارسی تأثیر داشته و این تأثیر از قرن پنجم به بعد، رو به فزونی بوده است تا جایی که در قرن‌های ششم، هفتم و هشتم - که اوج شکوفایی ادبیات فارسی محسوب می‌شود - به تعبیری می‌شود گفت، آیات و احادیث از بنیان‌های اصلی متون ادبی بوده است. در این میان، تأثیر احادیث و روایات اسلامی در آثار شاعرانی چون: سنایی، نظامی، خاقانی، صابر ترمذی، قوامی رازی، ظهیر فاریابی، عطار نیشابوری، ناصر خسرو قبادیانی و ده‌ها شاعر کوچک و بزرگ دیگر، آشکارا و پنهان، قابل تعقیب و بررسی است. از میان این شاعران، آنان که برجسته‌تر و معروف‌ترند از جهت کمی و کیفی، بیشترین بهره را از سخنان بزرگان دین برده و با توجه



دقیق به سیره و زندگی آنان، بر غنای آثار خود افزوده‌اند.

به عنوان مثال، نگاهی کوتاه به سنایی و اثر معروفش «حدیقه» نشان می‌دهد که این قبیل تأثیرات به چه میزان مهم و اساسی است. وی در این کتاب، در مقام طرح موضوعات مختلف کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علمی، اجتماعی و... همه جا علاوه بر قرآن، احادیث و متون دینی را نیز در نظر داشته است (سنایی، ۱۳۶۵). چنان‌که فی‌المثل در این بیت:

خوانده بر گنده پیری و میری

سه طلاق و چهار تکبیری

در باب «سه طلاقه کردن دنیا» این سخن علی (ع) را در نظر داشته است، آنجا که می‌فرماید: «طلقت الدنیا ثلاثه لاربعة فیها». یا وقتی در این بیت:

مرگ هدیه است نزد داننده

هدیه دان میهمان ناخوانده

سنایی مرگ را، هدیه تلقی می‌کند زیرا به مضمون حدیثی از پیامبر اسلام (ص) توجه داشته است و از این قبیل موارد، بسیار فراوانند، که نمونه‌های ذیل، از آن جمله‌اند:

در طریقت دواج امت بود

در شریعت سراج امت بود

«ابوحنیفه سراج امتی»

خوانده در دین و ملک مختارش

هم در علم و هم علمدارش

«انا مدینه العلم و علی بابها»

مصطفی ایستاده بر ره او

از سر لطف رب سلم گو

«رب سلم امتی»

فرخ آن کوه همه طعام و شراب

از مسبب سندنه از اسباب

«انی اظل عند ربی یطعمنی ویسقینی»

به طور کلی، ادبیات چون یک مقوله هنری است، باید از عناصری چون: زیبایی، تخیل، احساس، نوآوری، تفکر و داشتن پیام بهره‌مند گردد. از میان این ویژگی‌ها، پیام آثار ادبی و هنری، عنصر مهمی است که از اهمیت خاصی برخوردار است.

این اهمیت تا بدان حد است که در حقیقت باید گفت سایر ویژگی‌های هنری، یعنی: زیبایی، تخیل و... در خدمت پیام اثر قرار دارد و متقابلاً کیفیت هنری و ادبی آثار هم، وقتی عالی‌ترین نمود و کمال را می‌یابد، که آن آثار در خدمت تفکر، تعهد و مسوولیت انسان درآید و به عنوان یک ابزار قوی در ترویج فرهنگ، اندیشه آزادی، عواطف انسانی، آرمان‌ها و انگیزه‌های بلند بشری، به کار گرفته شوند.

این موضوع آنقدر اهمیت دارد، که حتی برخی از مکتب‌های فکری و فلسفی جدید به عنوان یک اصل بر آن تأکید کرده‌اند، چنان‌که سارتر؛ فیلسوف اگزیستانسیالیست معاصر، جوهر هنر و ادبیات را تعهد می‌داند و می‌گوید: «انسان نمی‌تواند از مسوولیت بگریزد و ادبیات هم، طبعاً جز آن که متعهد باشد (به او مانسیم) راه دیگری در پیش ندارد» (رحیمی، ۱۳۴۵)

از این نظر گاه، ادبیات فارسی که از ابتدا در بستر فرهنگ اسلامی رشد نمود و در دامان متون دینی پرورده شد (صفا: ۱۳۶۳، ص. ۱۶۶) و با بهره‌گیری وسیع از قرآن و احادیث و سنت‌های اسلامی به اوج تعالی و کمال دست یافت، توانست به بهترین وجه ممکن در خدمت آرمان‌های انسانی درآید و از این جهت، وسیله خوبی شد برای ابلاغ پیام فرهنگ اسلامی در تمام ابعاد مختلف آن و از اینرو انعکاس قرآن و سایر متون دینی را در جای‌جای عرصه بیکران ادب پارسی به صورت‌های گوناگون مشاهده می‌کنیم.

قرآن و احادیث اسلامی به عنوان مهمترین ارکان فرهنگ اسلامی، به صورت‌های: کاربرد مستقیم، ترجمه، بیان حقایق، داستانها، پیام، مضمون‌های دینی، اشاره به آداب و رسوم اسلامی و امثال آنها در نظم و نثر فارسی، بازتاب گسترده دارد که از میان آنها، توجه به پیام قرآن و احادیث اسلامی در نزد شاعران و هنرمندان ایرانی، اهمیت فوق‌العاده داشته و دارد.

این پیام در قرآن (و سایر متون ادیان الهی از جمله: تورات و انجیل) توحید، معاد و عمل صالح است. یعنی این که ما آدمیان اعتقاد داشته باشیم به خدایی که از او بیم و به سوی او باز می‌گردیم و در این جهان، وظیفه‌ای جز انجام عمل صالح و رفتار درست برعهده ما نیست (قرآن، ۱۰۳/۳، ۲/۱۵۶) و رسالت همه انبیا و اولیاء و پیروان آنها هم در طول تاریخ، جز ابلاغ اینها، نبوده است.

بررسی متون نظم و نثر فارسی نشان می‌دهد، که روند کلی ادبیات فارسی (و حتی جهان) بر اساس این سه محور شکل گرفته است و تمام شاعران و نویسندگان برتر ایران (و جهان) که متأثر از متون دینی بوده‌اند در آثار با ارزش ادبی خود، همه جا دعوت به توحید و معاد و عمل صالح کرده‌اند.

براین اساس، در هر اثر ممتازی که مربوط به ادبیات فارسی است، جلوه‌های عالی توحید را شاهدیم و کسانی چون: فردوسی، نظامی، خیام، سعدی، مولوی، و حافظ، ضمن اختصاص دادن بخش‌های مهمی از آثار خود به این موضوع، به زیباترین وجه ممکن از آن سخن رانده‌اند و بخصوص در متون شگفت‌انگیز عرفانی، بدینوسیله اوج زیبایی و هنر را به نمایش گذاشته‌اند. معاد هم که، در واقع خبر یافتن از عالم غیب و یقین بر آن است و در ادیان الهی، رکن دیگر ایمان محسوب می‌شود، همانند توحید در ادبیات ناب فارسی، جلوه‌ای دلپذیر دارد و همه بزرگان این عرصه با الهام از قرآن بشارت می‌دهند که مرگ پایان زندگی نیست و در حقیقت، مرحله‌ای است که در فراسوی آن، زندگی به شکلی دیگر ادامه پیدا می‌کند. در این مورد، شکسپیر هم در «طوفان» که یکی از آخرین نمایشنامه‌های اوست، ضمن تأکید بر مشیت الهی پیام می‌دهد: چیزی را از دست می‌دهیم تا چیزی بزرگتر را فرا چنگ آوریم. می‌میریم بدین منظور تا برای زندگی بهتر، باز زنده شویم (شکسپیر: ۱۳۷۵ هـ.ش ص ۵). برخلاف برخی از متون ادبی مدرن، که در کمال ناامیدی و تباهی، دم از مرگ و نیستی و تاریکی و سیاهی می‌زنند.

بعد از توحید و معاد، عمل صالح، عمده‌ترین موضوعی است که در آثار ادب پارسی انعکاس دارد و قالب مسایل: اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، عرفانی، رعایت عدل و دوری جستن از ظلم و ستم، توجه به حقوق بشر، بی‌توجهی به مادیات و امثال آن بیان شده است و تقریباً همه نویسندگان و گویندگان فارسی زبان، سخن راندن از این مقولات را، وظیفه دینی و انسانی خود می‌دانستند.

مثلاً: شکسپیر در آثار خود، که بر کلی‌ترین وجه مذهب متمرکز شده است، به سلوک درست روح در برابر پروردگار اعتقاد دارد و در جهان بینی او، بین مراتب زیستی و اجتماعی و تکالیف اخلاقی پیوندی هست. آثار او، اتحاد بین نظم طبیعی و اخلاقی را نشان می‌دهد و جوهر نمایشنامه‌های کاملتر او، چون: «شاه لیر» و «هملت» عرفانی است که تکیه بر تکامل انسان دارد.

در این آثار، احساس می‌شود که شخصیت‌ها تا درجه فضیلت و تقوا پیش می‌روند و همه نمایشنامه‌ها، راه کمال را نشان می‌دهند. (M. Lings ۱۳۶۵ هـ.ش، صص ۲۷ و ۳۳ و ۳۵)

□ پوشکین؛ شاعر بزرگ روسیه علاوه بر تورات و انجیل، از قرآن نیز متأثر بود. وی پس از آشنایی با ترجمه قرآن به زبان روسی، چنان تحت تأثیر آن قرار گرفت که در سال ۱۷۲۴ م. «اقتباس از قرآن» را سرود.

بدین ترتیب، مشاهده می‌شود عظمت، جلوه و شکوه ادبیات زمانی بیشتر بوده است، که شاعران و نویسندگان و هنرمندان تحت تأثیر و تعلیم فرهنگ‌های پربار خود، بخصوص فرهنگ‌هایی که در پرتو مذاهب و ایده‌های الهی به شکوه جاودانه رسیده است، دست به تألیف و خلاقیت زده‌اند و متقابلاً هر کجا که بحث انحطاط یا ضعف ادبی مطرح بوده، جایی است که فرهنگ‌های غنی و دینی نبوده، یا اگر بوده به ضعف گراییده است. چنان‌که در دوره‌های معاصر، که باید آن را دوره فقر ادبی و انحطاط اندیشه و ترویج فرهنگ مادی نامید و در آثار ادبی، غالباً «سخن از تن‌های برهنه و هوس‌های برهنه ترمی رود... و چشم اندازهای جنسی، درون مایه شعر و ادب شده است» (دست‌غیب: ۱۳۵۷، ص ۵) کمتر اثر ارزنده‌ای یافت می‌شود که بتواند با پیام و محتوای خود، آثار شکوهمند گذشته برابری کند و آن چنانکه رسالت هنر و ادبیات حقیقی ایجاب می‌کند، در خدمت تفکر، تکامل و آگاهی انسان قرار گیرد.

در پایان و به عنوان نتیجه نهایی، باید گفت ضعف و قوت ادبیات در ایران و جهان، در دوره‌های مختلف، بستگی تام و تمام به فرهنگ‌های خاص آن دوره‌ها دارد. هر زمان که فرهنگ‌های قوی ظهور کرده است، آثار ادبی گرانبها نیز پدیدار شده است و هر وقت که فرهنگی بی‌محتوا و ضعیف شده است از آثار ادبی ارزنده، خبری نبوده است و این آثار قوی یا ضعیف ادبی هم، در تقویت یا تضعیف فرهنگ‌ها کاملاً مؤثر بوده و هستند. در این مورد، اساسی‌ترین عنصری که فرهنگ‌ها را تقویت و پشتیبانی می‌کند، ایده‌های انبیاء و اولیاء الهی و کتاب‌های آنان است و آنچه آنها را به ضعف و سستی می‌کشاند، ترویج

بی‌دینی و ماده‌گرایی در اشکال مختلف آنست. به عبارت دیگر، آثار ادبی ممتاز، زمانی پدیدار شده‌اند که فرهنگ‌های مبتنی بر مذاهب بر جوامع بشری حاکم بوده‌اند. آثاری که خود، متقابلاً در تقویت مبانی فرهنگی از نقش ویژه برخوردار بوده‌اند. بنابراین، شناخت درست کسانی چون: رومی، خیام، حافظ، شکسپیر، تولستوی، هوگو،... و آثار آنها، زمانی میسر است که شناخت دقیقی از ادیان الهی و کتاب‌هایی آسمانی چون: قرآن، تورات و انجیل در دست باشد.

منابع:

- دست‌غیب، عبدالعلی، نقد آثار احمد شاملو، تهران، ۱۳۵۷، چاپار.
- رحیمی، مصطفی، آگزیستانسیالیسم و اصالت بشر، تهران، ۱۳۴۵، بگاہ.
- رسول‌نیا، الف، شعر جبران خلیل جبران، کیهان فرهنگی ۱۰/۵، ۱۳۷۲، صص ۱۱۸-۱۰۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۱، امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، از گذشته ادبی ایران، تهران، ۱۳۷۵، انتشارات الهدی.
- سلطانی، محمد، پوشکین و متن‌های مذهبی، پیام آشنا، ۱/۸، ۱۳۶۴، صص ۱۷-۱۲.
- سنایی، مجدودبن آدم، ۱۳۶۵، حدیقة الحقیقه، مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
- شکسپیر، ویلیام، طوفان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، ۱۳۵۷، نشر اندیشه.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول، تهران، ۱۳۶۳، فردوسی.
- طغیانی، اسحاق، ۱۳۷۲، درباره ادبیات انقلاب اسلامی، ادبستان، شماره ۵۰، ۱۳۷۲، صص ۴۵-۲۷.
- طغیانی، اسحاق، مقایسه‌اجمالی حماسه‌های ایرانی و غیر ایرانی، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۷، شماره ۱۲، صص ۹۸-۱۱۸.
- مارتین‌لینگر، شکسپیر در پرتو نور هنر، ترجمه سودابه تفضلی، تهران، ۱۳۶۱، انتشارات قطره.
- ناظرزاده کرمانی، فرهاد، تی.اس. الیوت و اشعار مذهبی، تهران، ۱۳۶۵، جهاد دانشگاهی.
- نظامی، الیاس، مخزن الاسرار، طبع وحید دستگردی، تهران، ۱۳۴۱، انتشارات علمی.
- Gannon, P. and Levensohn, S. T.S. Eliot's Murder in the Cathedral and Selected Poems, A Critical Commentary. New York: Simon and Schuster.
- Langdon, I. (1924) Milton's Theory of Poetry and Fine Art.
- Monro, J. T. (1970) Islam and Arabs in Spanish Scholarship.
- Zaehner, Z. (1955) Zurran. Oxford: OUP.